



**شهید حاج قاسم  
خودش پروژه  
وبرنامه قدس است،  
دلیل اصلی ترور  
حاج قاسم، همانا  
فهمیدن و شناخت  
دقیق ایشان در این  
مورد بود که قدس  
تنها عامل وحدت  
میان امت اسلامی و  
جهت اساسی است،  
چرا که منجر به  
نابودی برنامه اصلی  
و استکباری اول در  
منطقه یعنی همان  
رژیم صهیونیستی  
است**

مسیر حرکت به صورت دیگری باشد اما بسیاری از مواضع جنبش ما را در رابطه با این قضیه درک می کرد.

#### ◀ پس اختلاف از کجا شروع شد؟

اختلاف از آنجا شروع شد که دخالت‌های میدانی برخی از گروه‌ها شروع شد و متأسفانه ما شاهد برخی فتنه‌های مذهبی بودیم که دشمن صهیونیستی و امریکایی بر ما تحمیل کرده بود و سعی بر این داشت جهت‌ها و گروه‌های منطقه را قانع کند که این درگیری‌ها یک درگیری مذهبی و قبیل‌ای است و بسیاری از فرماندهان و جهت‌های حاضر در منطقه پذیرفتند که این یک درگیری داخلی و مذهبی است. در آن زمان فرماندهان مقاومت افراد عاقلی بودند که نمی‌خواستند به این مرداب درگیری‌های مذهبی و طایفه‌ای کشیده شوند؛ بنابراین اقدام به برافراشتن پرچم کردند و گفتند که ما می‌خواهیم ببینیم چه چیزی پیش می‌آید و در حقیقت در ابتدای بحران سوریه همه ما توافق نظر نداشتیم، و در آغاز بحران سوریه، نگاه و نظریه مشترکی در خصوص این موضوع نداشتیم، در نتیجه نتوانستیم برنامه مشترکی داشته باشیم. در رسانه‌های بیگانه می‌خواندم که می‌گفتند: یک اتاق فکرمیدانی مشترک میان حماس، حزب‌الله، ایران و سوریه برای اداره بحران سوریه وجود دارد، این چیزی بود که دشمن درباره ما می‌نوشت، در حالی که این موضوع واقعیت نداشت. حاج قاسم یک شخصیت مثبت بود و نقش مثبتی هم در منطقه ایفا می‌کرد، چه از لحاظ انتقال پیام میان گروه‌ها و نظریه پُل ارتباطی بودن که ما در جنبش حماس به آن ایمان داریم و در ابتدای بحران سوریه جهت اعتمادسازی و تثبیت روابط میان گروه‌های اطراف درگیر در داخل سوریه، نسبت به انجام آن اقدام کردیم، اما در این موضوع موفق نبودیم که دلایل موضوعی و میدانی داشت و طرف‌های درگیر خودشان موافق نبودند.

بعد از آن جمهوری اسلامی  
سؤالاتی درباره برخی  
از اشخاص و برخی از

گروه‌های مبارز داشت که در کنار یک طرف مشخص و بر ضد نظام مبارزه می‌کردند و خودشان را منتسب و وابسته به جنبش حماس می‌دانستند، در حالی که برخی از آنان چه بسا از افراد جنبش بودند ولی این در حالی بود که در آن زمان اینان افرادی بی‌انضباط بودند که از چهارچوب سازمانی جنبش حماس خارج شده بودند و چون ما تصمیم گرفتیم که از سوریه خارج شویم، متأسفانه بر آن افراد از لحاظ اداری تسلط نداشتیم، این موضوعی بود که حاج قاسم گله و عتاب شدیدی درباره آن نسبت به ما داشت که چگونه با این افراد تعامل و برخورد کنیم، و اینکه چگونه آنچه را که در ابتدا آغاز کردیم را تثبیت کنیم، که موضع‌گیری حکیمانه جنبش حماس و بی‌طرف بودن در بحران سوریه بود و بیانیه‌ای که همان وقت در راستای این موضوع صادر شد، این بود که بحران سوریه باید بدون دخالت خارجی حل شود، و راه‌حل بحران سوریه از طریق سیاسی است و سرنوشت سوریه به دست سوری‌هاست که همراه با اذعان داشتن به لطف نظام نسبت به گروه‌های مقاومت و مخصوصاً جنبش حماس و اینکه ملت سوریه، گروه‌های فلسطینی و جنبش حماس را در دامان خود

